

به نام خدا

استراتژی جدید ناتو و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
بخش اول - مهمترین مفاد استراتژی جدید ناتو	۲
بخش دوم - نکات مهم سند استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو	۱۱
استراتژی جدید ناتو و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	۱۷
منابع و مأخذ	۲۱

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۷۶۳

فروردین ماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات سیاسی



استراتژی جدید ناتو و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

گزارش حاضر به بررسی استراتژی جدید ناتو می‌پردازد که تحت عنوان «تدبیر استراتژیک برای دفاع و امنیت اعضای ناتو» در اجلاس لیسبون پرتغال در اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی به تصویب رسید. در بخش اول گزارش مهمترین بخش‌ها و مسائل مطرح شده در این سند بررسی می‌شود. بخش دوم گزارش، نکات برجسته و مهم آن مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت آثار این استراتژی و سیاست‌های جدید در مورد جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره و ارزیابی قرار می‌گیرد.

مقدمه

پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۹ و در راستای مهار کمونیسم شوروی تأسیس شد. این پیمان نظامی که بر پایه دفاع جمعی تشکیل شده است دارای ساختار متمرکز از نهادهای نظامی و مدنی است که در رأس آن، شورای آتلانتیک شمالی متشکل از وزرای کشورهای عضو قرار دارد که حداقل هر دو سال یک بار تشکیل می‌شود. این شورا بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در پیمان ناتو است و تصمیمات به اتفاق آرا اتخاذ می‌شود. ناتو پس از فروپاشی شوروی علیرغم



برخی نظرات مبنی بر انحلال، همچنان بنابر اصرار آمریکا بر فعالیت خود ادامه داد و مبارزه با تروریسم را در دستور کار اصلی خود قرار داد. این پیمان با تأکید به گسترش و افزایش تعداد اعضا تقریباً هر ۱۰ سال سندی تحت عنوان تدبیر استراتژیک برای دهه آینده منتشر می‌کند. گزارش حاضر به بررسی سند اخیر این پیمان اختصاص دارد.

بخش اول - مهمترین مفاد استراتژی جدید ناتو

در سند تدبیر استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو، محورهای عمده زیر مورد بررسی و تأکید اعضای ناتو قرار گرفته است. به عبارت دیگر عمده مسائل مطرح شده در این سند به شرح زیر می‌باشد:

۱. تأکید بر مواجهه با تهدیدات جدید به شکل جمعی،
۲. تأکید بر مواجهه و جلوگیری از بحران‌ها، مدیریت منازعات و ثبات‌سازی بعد از منازعات به همراهی شرکا و به‌طور خاص سازمان ملل و اتحادیه اروپا،
۳. تأکید بر تعهد فزاینده سیاسی شرکا به پیمان و ایفای نقش اساسی در عملیات تحت رهبری ناتو،
۴. تلاش برای ایجاد جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای و در عین حال تأکید بر این نکته که ناتو اتحادی هسته‌ای باقی خواهد ماند مادام که سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد،
۵. باز بودن درهای ناتو به روی تمام کشورهای آزاد و دموکراتیک اروپایی،
۶. تأکید بر اصلاحات در ناتو در جهت کارآمدی، انعطاف‌پذیری و تأثیرگذاری



بیشتر در جهت امنیت مالیات‌دهندگان این پیمان.

اهداف و اصول اساسی ناتو در دهه آینده عبارتند از:

۱. تضمین و حفاظت از آزادی و امنیت هریک از اعضا از طریق اهداف سیاسی و نظامی،
۲. ایجاد جامعه‌ای از اعضا که متعهد به اصول آزادی فردی، دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون باشند،
۳. تعهد اعضا به اصول منشور ملل متحد و به‌طور خاص تعهد به شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان حافظ اصلی صلح و امنیت بین‌المللی،
۴. حفظ و تقویت روابط فرآتلانتیک جهت تضمین صلح، امری ضروری است. امنیت دوسوی آتلانتیک به‌هم پیوسته است و اهداف آنها نیز یکسان است،
۵. فضای امنیتی جدید چالش‌های امنیتی جدید و عمده برای سرزمین و اعضای پیمان ناتو فراهم آورده است. در جهت حفظ امنیت در چنین فضایی سه اقدام مهم زیر باید انجام شود:
 - دفاع جمعی^۱ براساس تعهد به ماده (۵) پیمان ناتو،
 - مدیریت بحران^۲، با استفاده از اهرم‌های سیاسی و نظامی، قبل، حین و بعد از بحران،
 - امنیت مشارکتی^۳ و افزایش توان عملیات ناتو فراتر از مرزهای پیمان با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی،
۶. ناتو تنها و اساسی‌ترین مرجع مشورت‌های دو سوی آتلانتیک است که به

1. Collective Defence
2. Crisis Management
3. Cooperative Security



مسائل تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و امنیت اعضا مربوط شود. ناتو از هر مسئله امنیتی که توسط اعضا به ناتو ارجاع شود به‌منظور مبادله افکار و اطلاعات و اتخاذ رهیافت مشترک، استقبال می‌کند.

۷. در جهت انجام وظایف ناتو، این پیمان به شکل مستمر در جهت مدرنیزاسیون و تغییر شکل حرکت می‌کند.

فضای امنیتی جدید پیش روی ناتو

سند راهبردی ۲۰۱۰، لیسبون، با اشاره به اینکه فضای روابط فرآتلانتیک در شرایط صلح قرار دارد و سطح تهدیدات متعارف علیه آن پایین است، این مسئله را موفقیتی برای پیمان آتلانتیک شمالی می‌داند. با وجود این، سند تأکید می‌کند این امر نباید باعث غفلت و نادیده گرفتن تهدیدات متعارف شود به‌طور خاص خطر تهدیدات متعارف در حوزه موشک‌های بالستیک علیه اعضای ناتو بسیار زیاد است. در مجموع سند جدید مهمترین تهدیدات پیش‌روی پیمان را به‌شرح زیر برمی‌شمرد:

۱. اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی و ابزارهای شلیک آنها، تهدیدی جدی هستند.
۲. تروریسم همچنان تهدیدی جدی علیه شهروندان ناتو و سایر کشورهاست. گروه‌های تندرو در حال تکثیر هستند و توانایی آنها در حال افزایش است خصوصاً در صورتی که تروریست‌ها به سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیکی دسترسی پیدا کنند.
۳. بی‌ثباتی و منازعه فراتر از مرزهای ناتو می‌تواند مستقیماً امنیت اعضا را به



خطر اندازد در این راستا مهمترین تهدیدات افراط‌گرایی، تروریسم، فعالیت‌های فراملی غیرقانونی نظیر قاچاق سلاح، موادمخدر و انسان هستند.

۴. حملات سایبری که در حال افزایش و سازماندهی‌تر شده هستند و هزینه‌های آن افزایش یافته، تهدید جدید دیگری محسوب می‌شود.

۵. مسئله جدی دیگر، تهدیدات علیه ارتباطات حیاتی در مورد تجارت، انرژی و... هستند.

۶. تکنولوژی‌های جدید نظیر سلاح‌های لیزری، تسلیحات الکترونیک و دسترسی به فضا به شکل گسترده بر عملیات و برنامه‌های ناتو اثر گذاشته است.

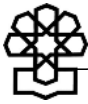
۷. محدودیت‌های منابع و محیط زیستی شامل تغییرات جوی، امنیت آب و انرژی تهدیدات بالقوه‌ای برای ناتو هستند.

دفاع و بازدارندگی ناتو

براساس فضای ترسیم شده از تهدیدات پیش‌روی ناتو در ۱۰ سال آینده در سند استراتژیک این پیمان، مهمترین اقدامات و سیاست‌های اتخاذ شده در ناتو به شرح زیر است:

۱. مهمترین مسئولیت ناتو دفاع از سرزمین و جمعیت متحدان خود علیه حملات براساس ماده (۵) پیمان است. در این راستا ناتو هیچ کشوری را به‌عنوان دشمن فرض نمی‌کند، تنها در صورت تهدید هریک از اعضا وارد عمل می‌شود.

۲. استراتژی بازدارندگی ناتو در دهه آتی، ترکیبی از بازدارندگی هسته‌ای و بازدارندگی متعارف است. ناتو تا زمانی که سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد، یک



پیمان هسته‌ای باقی می‌ماند.

در این راستا مهمترین تضمین امنیتی اعضا، نیروهای استراتژیک هسته‌ای آن هستند که به‌طور مشخص نیروهای استراتژیک آمریکا، نیروهای مستقل هسته‌ای انگلیس و فرانسه بیشترین نقش را بازی می‌کنند.

۳. حفظ توان انجام عملیات مشترک کلان و خرد در مواقع ضروری،

۴. توسعه و حفظ توان عملیاتی و انتقال نیروهای متعارف در جهت انجام ماده (۵) پیمان.

۵. انجام مانورها و تمرینات مشترک و تبادل اطلاعات جهت آمادگی در شرایط اضطراری،

۶. تضمین مشارکت همه اعضا در برنامه‌ریزی‌های دفاعی در مورد نقش سلاح‌های هسته‌ای در فرماندهی، کنترل، مشورت و... .

۷. توسعه توانایی‌های دفاعی علیه موشک‌های بالستیک برای تمام اعضا. در این راستا ناتو اعلام می‌کند به دنبال مشارکت با روسیه و سایر شرکای اروپایی و آتلانتیک خود برای انجام دفاع موشکی است.

۸. تقویت توانایی دفاع در برابر سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای، بیولوژیکی و رادیولوژیکی.

۹. توسعه توانایی مقابله با حملات سایبری از طریق دفاع ملی سایبری کشورهای عضو.

۱۰. گسترش توانایی مقابله با تروریسم بین‌المللی از طریق آموزش نیروهای محلی.

۱۱. توسعه توانایی‌های دفاعی برای تضمین امنیت انرژی شامل حفاظت از



زیرساخت‌های اساسی انرژی و مناطق و خطوط حمل‌ونقل آن، همکاری با شرکا و مشورت با اعضا جهت ارزیابی‌های استراتژیک و برنامه‌های احتمالی.

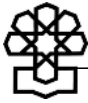
۱۲. تضمین این مسئله که ناتو در خط مقدم ارزیابی‌های استراتژیک از ظهور تکنولوژی‌های جدید و نیز برنامه‌های نظامی در جهت دفع تهدیدات جدید است.

۱۳. حفظ سطح خاصی از بودجه و هزینه‌های نظامی اعضا جهت تأمین مایحتاج نظامی پیمان.

۱۴. تداوم بازنگری در وضعیت ناتو برای مقابله با تهدیدات جدید و تطابق با شرایط امنیتی بین‌المللی جدید.

ایجاد امنیت از طریق مدیریت بحران

بحث مدیریت بحران به شکل تفصیلی در سند جدید ناتو مورد بررسی قرار گرفته است. در این سند ذکر شده است که بحران‌ها و منازعات خارج از مرزهای ناتو می‌تواند تهدید مستقیم برای امنیت پیمان محسوب شود. لذا ناتو در مواقع لازم و ممکن، جهت جلوگیری و مدیریت بحران و ثبات‌سازی بعد از منازعات و بازسازی مداخله می‌کند. این مدیریت بحران با توجه به تجارب ناتو در افغانستان و بالکان و با رویکرد جامع سیاسی و نظامی انجام می‌گیرد و در این راه مشارکت سایر بازیگران نیز استقبال می‌کند. بهترین شیوه مدیریت بحران، جلوگیری از وقوع آن است. ناتو برای جلوگیری از وقوع بحران در مواقع ضروری اقدام می‌کند. در صورت شکست اقدامات جهت جلوگیری از بحران، ناتو آماده مدیریت خصومت و منازعات بعد از آن است. ناتو توانایی مدیریت بحران را از طریق استقرار نیروی نظامی در منطقه انجام



داده و پس از بحران جهت ثبات‌سازی و بازسازی آماده است. براساس سند ۲۰۱۰ ناتو، این پیمان جهت مدیریت بحران اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

۱. گسترش توان اطلاعاتی جهت پیش‌بینی آغاز بحران و جلوگیری از آن،

۲. گسترش دکترین نظامی، جهت عملیات احتمالی نیروها علیه آشوب‌ها و جهت ثبات‌سازی و عملیات بازسازی،

۳. طراحی شیوه‌های مدیریت بحران غیرنظامی،

۴. توسعه توان آموزش نیروهای محلی در مناطق بحران،

۵. شناسایی و آموزش متخصصان غیرنظامی پیمان جهت اعزام به مأموریت‌های خاص، جهت اقدام به موازات نیروهای نظامی.

کنترل تسلیحات و عدم اشاعه

براساس سند جدید ناتو، این پیمان به دنبال تأمین امنیت خود با حداقل نیروهای ممکن است. در این راستا خلع سلاح و عدم اشاعه، امنیت اعضا را حفظ خواهد کرد. ناتو در این سند اذعان می‌کند که به ایجاد جهان عاری از سلاح‌های هسته‌ای پایبند است و این اقدام را براساس معاهده NPT و به شکلی که ثبات بین‌المللی ارتقا یابد، انجام می‌دهد. ناتو پس از پایان جنگ سرد به میزان قابل ملاحظه‌ای از تعداد سلاح‌های اتمی خود در اروپا کاست و در آینده نیز این روند را انجام می‌دهد. البته ناتو تأکید می‌کند به دنبال جلب همکاری روسیه در این راستا بوده و در جهت شفاف‌سازی تسلیحاتی با آنها اقدام کرده و تلاش می‌کند روسیه محل استقرار سلاح‌های خود از مرزهای ناتو را تغییر دهد. هرگونه اقدام آتی ناتو با در نظر گرفتن توازن سلاح‌های کوتاه‌برد



روسیه صورت می‌گیرد. از سوی دیگر ناتو متعهد به کنترل تسلیحات متعارف در اروپا براساس اصل مقابله به مثل، شفافیت و رضایت کشورهای پذیرنده است. ناتو در راستای عدم اشاعه راه‌های سیاسی و توانایی نظامی خود را به‌کار گرفته و درباره کنترل تسلیحات با تمام اعضا مشورت می‌کند.

گسترش ناتو و همکاری با اتحادیه اروپا

اعضای ناتو براساس سند ۲۰۱۰ معتقدند گسترش ناتو باعث افزایش امنیت پیمان می‌شود از این رو تصریح می‌کند درهای ناتو به روی کشورهای اروپایی یکپارچه و آزاد با ارزش‌های مشترک و متعهد به ارزش‌های پیمان باز است. ارتقای امنیت اروپا - آتلانتیک در گرو همکاری با کشورهای شریک و سازمان‌های بین‌المللی براساس عمل متقابل و احترام به منافع متقابل است. در این راستا ناتو به شرکای عملیاتی خود نقش ساختاری در استراتژی‌ها و اتخاذ تصمیمات می‌دهد. با این شرایط ناتو تلاش می‌کند با سازمان ملل روابط خود را تعمیق بخشد و مشورت‌های منظم سیاسی و همکاری عملی در مدیریت بحران‌ها نماید.

از سوی دیگر سند ۲۰۱۰ ناتو، تأکید می‌کند اتحادیه اروپا شریکی اساسی برای این پیمان است که هر دو دارای ارزش‌های یکسان و اعضای مشترک هستند. ناتو اهمیت توان دفاعی اروپا را به رسمیت می‌شناسد و در راستای شراکت استراتژیک کامل که برای اعضای دو پیمان ضروری است تلاش می‌کند. در واقع سند ناتو تأکید دارد که ناتو و اتحادیه اروپا نقش مکمل در حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی دارند. ناتو براساس سند جدید در جهت اهداف زیر با اتحادیه اروپا همکاری می‌کند:



۱. تقویت کامل شراکت استراتژیک^۱ براساس شفافیت، احترام به خودمختاری و تمامیت سازمانی متقابل،
۲. افزایش همکاری عملی در عملیات‌های مرتبط با بحران از طراحی تا حوزه عملیاتی و اجرایی،
۳. افزایش مشاوره‌های سیاسی در جهت منافع مشترک،
۴. همکاری در توسعه امکانات و کاهش هزینه‌ها.

روابط ناتو - روسیه

در ادامه سند به روابط ناتو - روسیه اشاره شده و این رابطه را دارای اهمیت استراتژیک می‌خواند، زیرا این امر فضا را برای صلح، ثبات و امنیت مهیا می‌کند. سند تأکید دارد ناتو خواهان شراکت استراتژیک با روسیه است و هیچ تهدیدی علیه روسیه نیست. ناتو اساس روابطش با روسیه را بر پایه احترام به اصول دموکراتیک، حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی همه کشورهای اروپا - آتلانتیک و نیز عمل متقابل پایه‌گذاری می‌کند. امنیت روسیه و ناتو به هم پیوسته است و همکاری سازنده بر مبنای اعتماد متقابل و شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری می‌تواند امنیت طرفین را تأمین نماید. در راستای همکاری‌های بیشتر با روسیه ناتو مصمم است مشورت‌های سیاسی و همکاری را در مورد مسائل مشترک، شامل دفاع موشکی، مبارزه با تروریسم و مواد مخدر و امنیت بین‌المللی گسترش دهد. ناتو به دنبال استفاده از تمام پتانسیل‌های شورای ناتو - روسیه برای مذاکره و اقدام مشترک است.



در انتهای سند استراتژیک جدید ناتو، بر گسترش روابط با کشورهای حوزه مدیترانه، کشورهای نظیر اوکراین و گرجستان و نیز گسترش و توسعه شراکت امنیتی با شرکای ناتو در خلیج فارس تأکید شده است.

بخش دوم - نکات مهم سند استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو

۱. علیرغم اشاره سند تدبیر استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو به مسئله خلع سلاح، هیچ راه‌حل عملی برای این منظور ارائه نشده است و در واقع این سند نتوانسته حتی به اندازه سند بازنگری وضعیت هسته‌ای (NPR) ایالات متحده نیز در این راستا ارائه طریق کند. ابهام در این حوزه بسیار چشمگیر است. سند تدبیر استراتژیک پیشین ناتو که در ۱۹۹۹ در واشنگتن تهیه شده بود اشاره می‌کند که: «نیروهای اتمی ناتو هیچ کشوری را نشانه نخواهند رفت» و در سند جدید آمده است که «ناتو هیچ کشوری را رقیب فرض نمی‌کند». از سوی دیگر در سند ۱۹۹۹ ناتو، سلاح‌های تاکتیکی هسته‌ای در اروپا عامل حیاتی ارتباط سیاسی - نظامی دو سوی آتلانتیک عنوان شده بود. در حالی که در سند جدید نیروهای استراتژیک آمریکا و تا اندازه‌ای بریتانیا و فرانسه ضامن اصل امنیت ناتو هستند. به نظر می‌رسد دولت اوپاما تا اندازه‌ای قصد کاهش تعداد سلاح‌های استراتژیک خود در اروپا را دارد و تلاش می‌کند به شکل مدیریت شده بخشی از امنیت اروپا را به خودش واگذارد، ولی از سوی دیگر خود را متعهد به دفاع جمعی مبتنی بر نقش سلاح‌های هسته‌ای حتی در زمان صلح نیز می‌داند. دولت اوپاما تلاش کرده است با افزایش نقش اروپاییان در امنیت اروپا و نیز به رسمیت شناختن سیستم دفاعی اروپا به شکل تلویحی، بخشی از انتقادات را از نقش آمریکا به عنوان رهبر ناتو



کاهش دهد؛ لذا در سند تأکید شده است که اروپا در مورد اتخاذ تصمیمات مربوط به سلاح هسته‌ای مشارکت داده می‌شود. جالب است اشاره کنیم آمریکا در حال حاضر ۱۵۰ تا ۲۰۰ سلاح اتمی در ۶ پایگاه در ۵ کشور اروپای در اختیار دارد. به لحاظ استراتژیک آمریکا به هیچ‌وجه خواهان کاهش حضور و نفوذ خود در اروپا نیست و این امر را از طریق برجسته کردن برخی تهدیدات توجیه می‌کند.

جدول تعداد سلاح‌های اتمی آمریکا در اروپا

کشور	تعداد سلاح‌ها
بلژیک	۲۰-۱۰
آلمان	۲۰-۱۰
ایتالیا	۷۰-۶۰
هلند	۲۰-۱۰
ترکیه	۷۰-۶۰
جمع	۲۰۰-۱۵۰

در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۰، ناتو به شکل یک‌جانبه تعداد سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی را از ۴۸۰ به ۱۵۰ تا ۲۰۰ عدد کاهش داده است. هرچند در سند ۱۹۹۹ ناتو به روسیه و اقدام متقابل آن اشاره نشده است، ولی در سند جدید ۲۰۱۰، اقدامات مربوط به خلع سلاح را به عمل متقابل و اقدامات شفاف روسیه نسبت داده است. برخی از منتقدان ناتو معتقدند گره زدن امنیت ناتو به روسیه، اشتباهی است که آمریکا از طریق وارد ساختن روسیه به مناسبات ناتو انجام داده است.

نکته مهم دیگر در بعد سلاح‌های هسته‌ای آن است که ناتو در بخشی از سند



۲۰۱۰ اشاره می‌کند که به جهان عاری از سلاح اتمی پایبند است و در زمینه دفاعی مهمترین عامل را سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی خود برمی‌شمرد و حاضر نیست نقش آن را کاهش دهد. حتی به نظر می‌رسد این بخش، با بندهایی از سند بازنگری وضعیت هسته‌ای (NPR) آمریکا که در آن محدودیت‌هایی جهت استفاده از سلاح‌های اتمی وضع کرده در تناقض است و جمع بین این دو سند خود منطقه الفراغی را ایجاد خواهد کرد که تفاسیر متعددی از آن قابل برداشت بوده و عملاً اسناد اعلامی ناتو و ایالات متحده چیزی جز نوشته‌ای روی کاغذ نباشد.

۲. نکته قابل ملاحظه دیگر سند ۲۰۱۰ ناتو، تأکید بر مدیریت بحران قبل، حین و بعد از منازعه و بحران است. اشاره ناتو به تجارب افغانستان و بالکان و تأکید بر مدیریت جامع بحران‌ها و تأکید بر آموزش محلی نیروها و تربیت متخصصان غیرنظامی کشورهای شریک و عضو، مسائلی است که نشان از وسعت عملکرد و تعریف جدید مأموریت‌های ناتو است. به عبارت دیگر ناتو برای بقای خود در دهه دوم هزاره سوم فراتر از اهداف امنیتی - که به‌طور سنتی ناتو یک پیمان امنیتی تلقی می‌شد - حرکت می‌کند. به عبارت بهتر، تعریف از ناامنی در ناتو بسیار وسیع‌تر از حوزه ناامنی نظامی صورت گرفته است. این امر سبب می‌شود بهانه و توجیه لازم برای اقدام ناتو به مناسبت‌های مختلف، به‌وجود آید.

اساساً عدم تعریف بحران و ابهام مفهومی آن نیز از مسائلی است که به‌نظر می‌رسد عامدانه جهت بهره‌برداری آتی، در سند آورده شده است. عواملی نظیر آموزش نیروهای محلی و غیرنظامی مسئله‌ای است که حضور ناتو را در مناطق مختلف توجیه خواهد کرد.



۳. یکی دیگر از نکات مهم سند جدید ۲۰۱۰ تأکید بر مسائل سیاسی و اهداف سیاسی پیمان است. چنان‌که می‌دانیم ناتو پیمانی امنیتی است که کمتر بر مسائل سیاسی تأکید داشته است. در سند جدید به کرات به مسئله مشورت‌های سیاسی و اهداف سیاسی ناتو تأکید شده است. این مسئله به همراه چندبعدی دیدن بحران‌ها و ضرورت نگاه جامع برای مدیریت بحران‌ها باعث می‌شود تا حوزه‌های جدید مأموریتی ناتو بسیار گسترده‌تر از قبل در نظر گرفته شود تا اندازه‌ای که می‌توان ادعا کرد آمریکا به دنبال مدیریت اروپا و جهان از طریق پیمان ناتو است و سعی داد از جنبه نظامی آن بکاهد، لذا در سند صراحتاً ذکر شده است که ناتو از طرح مسائل مختلف در ناتو استقبال می‌کند تا از این طریق مانع کاهش نقش خود در مسائل اروپایی شده و از سوی دیگر بر نفوذ و تأثیرگذاری خود در نقاط مختلف بیافزاید.

۴. مسئله مهم دیگر، که در زمره تهدیدات جدید ناتو شمرده شده است منازعات و بی‌ثباتی فراتر از مرزهای ناتو است. به عبارت دیگر ناتو در چند مورد اشاره به مسائل مربوط به حوزه‌های دیگر جغرافیایی خارج از محدوده خود می‌نماید تا از این طریق برای مداخله و اقدام جهت مدیریت بحران و نیز مقابله با آن به‌عنوان مسئله ضدامنیتی مشروعیت‌سازی کند.

۵. تضمین امنیت انرژی و حفاظت از زیرساخت‌ها و مناطق حساس انرژی یکی دیگر از مسائلی است که در سند جدید روی آن تأکید شده است. حضور ناتو در مناطقی نظیر خاورمیانه به بهانه حفظ امنیت می‌تواند تبعات امنیتی جدی برای این مناطق داشته باشد.

۶. یکی از مسائلی که در سند ۲۰۱۰ مورد تأکید قرار گرفته است همکاری و مشارکت



استراتژیک با کشورهای شریک^۱ ناتو است. به لحاظ مفهومی این کشورها دارای تعریف خاصی بوده و به طور مشخص ۲۲ کشور را در چند حوزه جغرافیای شامل می‌شود. طبیعتاً تقویت حضور و افزایش مشارکت ناتو با این کشورها نیز دارای آثاری می‌باشد. این کشورها عبارتند از: ارمنستان، اتریش، آذربایجان، بلاروس، بوسنی و هرزگوین، فنلاند، مقدونیه، گرجستان، ایرلند، قزاقستان، قرقیزستان، مالت، مولداوی، مونتنگرو، روسیه، صربستان، سوئد، سوئیس، تاجیکستان، ترکمنستان، اوکراین و ازبکستان.

علاوه بر کشورهای فوق که در زمره شرکای ناتو تقسیم‌بندی می‌شوند، حوزه‌هایی دیگر نیز وجود دارند که گفتگوهای با آنها به طور مستمر در حال انجام است برای مثال در حوزه مدیران کشورهای الجزایر، مصر، رژیم صهیونیستی، اردن، موریتانی، مراکش و تونس قرار دارند در حوزه خلیج فارس نیز کشورهای بحرین، قطر، کویت و امارات و در حوزه آسیای شرقی نیز ژاپن، کره جنوبی، نیوزلند و استرالیا قرار دارند.

چنان‌که مشخص است همکاری و همراهی استراتژیک با این کشورها و تبادل اطلاعات و تکنولوژی‌ها و نیز عملیات مشترک به معنای توسعه نفوذ ناتو در تمامی نقاط دنیا می‌باشد. از سوی دیگر بسیاری از این کشورها در حوزه اروپا در لیست انتظار و ورود به پیمان آتلانتیک شمالی هستند. برنامه ده‌ساله آینده ناتو فراهم کردن زمینه گسترش ناتو و همکاری و همیاری با این کشورها و ایجاد پیمان‌های مختلف در مناطق جهت اتصال آن به ناتو می‌باشد. این امر می‌تواند پاسخی برای منتقدانی باشد



که فلسفه وجودی ناتو را زیر سؤال می‌برند و پس از جنگ سرد لزومی به بقای ناتو نمی‌بینند. در واقع گسترش حوزه عمل و مأموریت ناتو در این راستا پروژه‌ای است که خصوصاً از جانب ایالات متحده در حال پیگیری است.

۷. روابط دو سوی آتلانتیک از جمله موضوعاتی بوده است که دچار قبض و بسط بوده و طیفی از مسائل مانند بحران‌های اقتصادی تا منازعات کلان نظامی سبب تقویت و یا تضعیف آن شده است. آمریکا به دلایل متعدد استراتژیک و غیراستراتژیک به دنبال حفظ نفوذ و تقویت روابط خود با اروپا بوده است. در این سند بیش از هر چیز بر همکاری ناتو با سازمان‌هایی نظیر اتحادیه اروپایی تأکید شده است. وجود برخی مشکلات و اختلاف نظرها خصوصاً نسبت به عملکرد آمریکا در ناتو در گذشته نیز باعث اختلاف در این پیمان شده است. لذا به عنوان یک آسیب جدی این روابط قابل بررسی است. در این سند تلاش شده است به نحوی این روابط استراتژیک و مکمل تعریف شده و مشکلات گذشته مورد تأکید قرار نگیرد. از این جهت ناتو به عنوان یک مرجع مشورتی دوسوی آتلانتیک تعریف شده است تا علاوه بر کارکرد امنیتی در سایر حوزه‌ها نیز مرجعی برای همکاری باشد و از سوی دیگر آمریکا تلاش دارد با ورود اعضای جدید خصوصاً در حوزه اروپای شرقی به ناتو توان چانه‌زنی خود را با اروپای قدیم تقویت نماید و از آنها به عنوان ابزارهای خود جهت مأموریت‌های جدید ناتو خصوصاً فراتر از مرزهای آن مورد استفاده قرار دهد. لذا تأکید بر مشورت با تمام اعضا در مورد عملیات مشترک تا اندازه‌ای اشاره به انتقاداتی دارد که از اقدامات یک‌جانبه آمریکا در چارچوب ناتو ناشی شده است، تا به نحوی این مسائل محدودتر شود.

۸. سند تدبیر استراتژیک ۲۰۱۰ ناتو در چندین مورد به ماده (۵) پیمان ناتو ارجاع داده



است. براساس ماده (۵) حمله به هر عضو، حمله به کل اعضای پیمان تلقی می‌گردد و همه موظف هستند با مشارکت هم، علیه متجاوز اقدام کنند. این مسئله در جهت تقویت بازدارندگی پیمان ناتو، در متن سند گنجانده شده است.

این ماده در طول تاریخ تنها یک بار آن هم پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر مورد استناد قرار گرفته است. به هر تقدیر افزایش دایره کشورهای عضو پیمان ناتو و تهدیدات جدیدی که مطرح شده می‌تواند در آینده امکان استناد به این ماده را افزایش دهد.

۹. ناتو در حوزه سلاح‌های متعارف موشک‌های بالستیک و در حوزه‌های غیرمتعارف اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی را برای خود تهدید تعریف می‌کند و در جهت توسعه توانایی دفاع موشکی برای همه اعضا به همراهی شرکای خود تعهداتی برای پیمان در نظر می‌گیرد.

استراتژی جدید ناتو و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهمترین تبعات و پیامدهای این استراتژی برای امنیت ملی کشور را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱. یکی از تهدیدات امنیتی که ناتو برای خود در دهه آینده ترسیم نموده است در حوزه سلاح‌های متعارف، موشک‌های بالستیک و در حوزه سلاح‌های نامتعارف اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است، از این رو با توجه به اتهامات غرب علیه ایران برنامه موشکی کشورمان و نیز فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز کشور مسلماً در زمره تهدیدات امنیتی قرار می‌گیرند. ناتو اساساً همانند سند NPR ایالات متحده، اصل غنی‌سازی توسط کشورها را تهدید و مساوی اشاعه دانسته و طبعاً به مقابله با آن اقدام می‌کند.



در مجموع، در حوزه برنامه موشکی جمهوری اسلامی، سپر دفاع موشکی ناتو می‌تواند تهدیدی جدی علیه جمهوری اسلامی تلقی شود. استقرار بخشی از سامانه این سپر دفاع موشکی در ترکیه و در همسایگی ایران - هرچند با تلاش این کشور مقرر شد علیه هیچ کشوری هدفگیری نشود - ولی در مجموع این کارکرد تهدیدی را علیه ایران خواهد داشت.

از سوی دیگر برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران که از جانب غرب تهدیدی برای ناتو معرفی می‌شود می‌تواند در حوزه بحران‌سازی فراتر از مرزهای ناتو طبقه‌بندی شده و با کمک شرکای این پیمان که کشورهای حوزه خلیج فارس و حتی روسیه را شامل می‌شود، مهار ایران بیش از گذشته در دستور کار قرار گیرد و از این منظر چالش‌هایی برای کشور به وجود آورد.

۲. برنامه مدیریت بحران ناتو که به‌طور مفصل در سند جدید به آن پرداخته شده است نیز از حیث آنکه قصد دارد نگاهی جامع به مسائل داشته و علاوه بر مسائل نظامی به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و... نیز توجه داشته و به مرزهایی فراتر از ناتو نیز توجه نماید، می‌تواند تبعات امنیتی برای کشور در برداشته باشد حضور نیروهای ناتو در افغانستان (هرچند طبق برنامه قرار است تا ۲۰۱۴ از این کشور خارج شوند) و بهانه آموزش نیروها بازسازی کشور و... مسائلی است که می‌تواند به حضور و نفوذ ناتو در محیط فوری امنیتی کشور عمق ببخشد. از سوی دیگر ابهام و عدم تعریف از ناامنی و بحران می‌تواند زمینه‌های مداخله و تنگ‌تر نمودن حلقه محدودکننده ایران را سبب شود. در این راستا یکی از اقدامات لازم جهت جلوگیری از این روندها، تقویت دیپلماسی لازم جهت جلوگیری از این روندها، تقویت دیپلماسی



جمهوری اسلامی خصوصاً در مسائل منطقه‌ای است تا بدان وسیله مانع از تسری کارکردهای ناتو به مسائل سیاسی و اقتصادی شود. تقویت همکاری‌های دو و چندجانبه منطقه‌ای در ابعاد مختلف با همسایگان و خصوصاً کشورهای نظیر عراق و افغانستان که ناتو در آنها حضور داشته یا بهانه لازم را جهت حضور دارد، می‌تواند روند مداخله‌گرایی ناتو در منطقه را کندتر کند. همچنین استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای و عمومی در راستای برجسته کردن اهداف واقعی ناتو از حضور در این مناطق می‌تواند در این راه مؤثر باشد.

۳. تأکید بر مشارکت و اهداف سیاسی پیمان و تعهد شرکا و هم‌پیمانان به اهداف سیاسی ناتو می‌تواند کشورهای همسایه ایران که متمایل به غرب و آمریکا هستند را ترغیب نماید جهت مهار جمهوری اسلامی همکاری بیشتری با مجموعه غرب و ناتو انجام دهند. از سوی دیگر ناآرامی‌های اجتماعی در کشورهای منطقه که می‌تواند در نتیجه مشکلات ساختاری این کشورها اتفاق افتد می‌تواند براساس مأموریت‌های جدید ناتو باعث ورود و مشارکت این کشورها در منطقه گردد. مدیریت این بحران‌ها خصوصاً با توجه به منابع این کشورها زمینه نفوذ و مداخله را افزایش می‌دهد. در این بخش نیز باید تلاش شود ناتو نتواند اهداف سیاسی خود را در منطقه پیرامونی کشور پیگیری نماید و فراتر از اهداف نظامی خود عمل کند.

۴. آمریکا همواره به‌عنوان یکی از اهداف استراتژیک مهم خود بر امنیت انرژی تأکید داشته است. به‌نظر می‌رسد آمریکا خواهان کاهش هزینه‌های مادی و معنوی یک‌جانبه‌گرایی خود در این حوزه بوده و قصد دارد با ورود و درگیر نمودن ناتو به این مهم هزینه‌های خود را کاهش دهد. تأمین امنیت انرژی و راه‌های حساس تجاری



یکی از حوزه‌هایی است که در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حضور نظامی ناتو را می‌تواند دربرداشته باشد. این امر مسلماً دارای تبعات منفی برای کشوری است که خواهان امنیت مبتنی بر کشورهای منطقه و بدون مداخله خارجی است.

۵. گسترش حوزه شرکا و متحدان ناتو به کشورهای مختلف و از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس - که در سند جدید نیز به آن اشاره شده - می‌تواند عاملی برای مداخلات این پیمان در منطقه باشد. تبادل اطلاعات و فناوری، مشارکت در عملیات و آموزش نیروها و... زمینه‌های این مداخله را گسترده می‌کند. مهمترین اقدام جهت خنثی‌سازی این تحرکات تقویت مناسبات ایران با این کشورها و همکاری در ابعاد مختلف و تلاش در جهت افزایش هزینه‌های حضور ناتو در این حوزه‌هاست.

۶. نکته اخیر ولی با اهمیت آنکه، ناتو در سند جدید خود اشاره به تقویت دفاع سایبری نیز می‌نماید و تهدیدات در این حوزه را برای خود برجسته می‌کند، از سوی دیگر، تکنولوژی‌های جدید و دسترسی به فضا را عاملی تهدیدزا تعریف می‌کند. در این راه جمهوری اسلامی ایران با توجه به برتری و توان قابل ملاحظه در مسائل و فضای سایبر می‌تواند دارای مزیت استراتژیک بوده و هم به مقابله و هم اقدام متقابل مقتضی دست بزند. افزایش حضور و قدرت‌نمایی در فضای سایبر می‌تواند ابتکار لازم را در اختیار کشور قرار دهد تا در ابعاد مختلف آن بتوان دفاعی را افزایش داد.



1. Strategic Concept for the Defense and Security of the Members of the North Atlantic Treaty Organization, Adopted by the Heads of State and Government in Lisbon, available at: <http://www.nato.int/lisbon2010/strategic-concept-2010-eng.pdf>
2. Hans M. Kristensen, NATO Strategic Concept: One Step Forward and a Half Step Back, available at: <http://www.fas.org/blog/ssp/2010/11/nato2010.php>
3. Experts Call NATO Strategic Concept 'Missed Opportunity to Reduce Role of Obsolete Tactical Nukes from Europe, 19 November, 2010, available at: <http://www.basicint.org/press/releases/2010/nato-strategic-concept>
4. Marko Papic, NATO's Lack of a Strategic Concept, Stratfor, 12 October, 2010.
5. David Wroe, NATO: Trying to Keep the Americans in What does the North Atlantic Treaty Organization Still offer the United States?, GlobalPost, 19 November, 2010.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۷۶۳

عنوان گزارش: استراتژی جدید ناتو و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: ابوزر گوهری مقدم

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. ناتو

۲. امنیت ملی

۳. ایران

۴. استراتژی نظامی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱/۳۱